

طرحنامه گرسه ترویجی

۱. عنوان گرسه:

تحلیل فقهی مفهوم هنر با کاربست اجتهاد در معناشناسی
عنوان انگلیسی:
A Jurisprudential Analysis of the Concept of Art Employing the Method of Semantic Ijtihād
عنوان عربی: تمثل مفهوم المفهوم هنا اجتهاد الکاربست فی التعاون

۲. خلاصه طرحنامه: (حداقل ۱۰۰۰ و حداکثر ۲۵۰۰ کلمه):

الف. شرح موضوع:

فقه علمی است که موضوع آن را افعال مکلفین تشکیل می‌دهد. از آن‌جا که افعال مکلفین دارای گستردگی است، فقه نیز باید دارای مسائل گوناگون و ابواب مختلف و متنوع باشد. چراکه این علم، عهده‌دار تنظیم روابط انسان با خدا، چگونگی تعامل وی با دیگران، در تمام شئون فردی و اجتماعی است. هم‌چنان‌که رابطه انسان با طبیعت و سایر پدیده‌های هستی نیز مسائلی هستند که فقه باید پاسخگوی آن باشد. قضایای فقهی همواره متشکل از موضوع و محمول هستند. موضوع آن فعل مکلف یا آنچه متعلق فعل مکلف است، بوده و محمول آن، احکام شرعی است که باید فقیه از ادله چهارگانه آن‌ها را استنباط نماید. از این‌رو شناسایی، تبویب و تعریف موضوعات فقهی برای جلوگیری از خلط مباحث و مسائل فقهی ضروری بوده، فواید زیادی بر آن مترتب است. از جمله می‌توان به امکان فهم دقیق مسائل فقهی، نقد و تحلیل آن‌ها در چارچوب مشخص و نیز شناخت منابع، قواعد و ضوابط منصوص، یا مستخرج عقلی و عرفی هر مسئله اشاره نمود. فراهم نمودن زمینه کاوش‌های نو و طرح نظریه‌های جدید را نیز می‌توان یکی دیگر از این فواید برشمرد. یکی از موضوعات فقهی که باید تعریف شود، هنر است. پژوهش روش‌شناختی حاضر، بر این پیش‌فرض استوار است که حکم‌شناسی در فرایند استنباط، مبتنی بر نوعی اجتهاد در موضوعات فقهی انجام می‌شده است و این روندی است علمی که در مکتب اجتهادی شیخ انصاری، محقق اصفهانی، مرحوم نراقی و صاحب جواهر قابل رهگیری است. فرضیه اصلی نگارنده این است که با تبیین روش اجتهاد در معنا، می‌توان روش مشخصی را در مفهوم‌شناسی موضوعات، ترسیم نمود و از این طریق مفهوم هنر را در چارچوب فقه به صورت روشمند، تحلیل کرد. بنابراین درصدد است تا روش تحلیل معنای فقهی هنر را تبیین نماید. این مهم در گرو شناخت روش اجتهاد در مفهوم‌شناسی موضوعات، در سایر



از کرسی های نظریه پردازی، پژوهش و اندیشه

باسمه تعالی

ابواب فقهی است. تا از این رهگذر بتوان روش مذکور را در تعریف مفهوم هنر، به کار بست و تحلیلی اجتهادی از آن ارائه نمود. بر این اساس سؤال اصلی که باید بدان پاسخ گفت، عبارت است از اینکه، ظرفیت ها و چالش های به کارگیری روش اجتهاد در معناشناسی، جهت دستیابی به معنای فقهی هنر چیست؟ پاسخ گویی به این پرسش، مستلزم آن است که سؤالات فرعی دیگری را نیز پاسخ داد از جمله این که: روش اجتهاد در معنا و تحلیل موضوعات فقهی چیست؟ نحوه کاربست روش اجتهاد در معنا، جهت تحلیل معنای هنر چگونه است؟ تعریف هنر، مستفاد از روش اجتهاد در معنا، با چه چالش های احتمالی مواجه است؟

در این کرسی، ارائه دهنده با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به مطالعه ای اکتشافی پرداخته تا منهج اجتهادی معتبری را استخراج نماید و به واسطه آن به تحلیل مفهوم هنر بپردازد. این تکاپو با بهره گیری از مؤلفه های موجود در کلام فقها، به جهت ارائه تعریفی موجه از مفهوم هنر خواهد بود. در این روش، به تبیین و تشریح مفهوم هنر می پردازیم تا تعریف روشنی از مفهوم هنر در چارچوب فقه شیعی ارائه شود. از این رو می توان گفت در این روش دو بُعد بنیادی و کاربردی نهفته است. چراکه علاوه بر کشف و شناخت روش نظری فقها، می تواند در فرایند اجتهاد و استنباط احکام فقهی هنر، مورد توجه فقه پژوهان قرار گیرد و بر اساس آن اظهار نظر فقهی صورت پذیرد.

بی تردید فقها روش های کارآمدی در تعریف مفاهیم و شناخت معنای موضوعات فقهی به کار بسته اند؛ اما کلام در این است که این روش ها به طور عمده اسلوب های موروثی و تقلیدی بوده اند و در سنت اجتهادی رایج از چارچوب روش شناختی منضبط برخوردار نبوده اند. نگارنده با این ادعا که می توان با مراجعه به میراث فقهی شیعه، روش تحلیل معنای موضوعات را استخراج نمود، در صدد برآمده است تا امکان کاربست این منهج اجتهادی را به عنوان روشی مؤثر در تحلیل مفهوم هنر بررسی نماید. مقاله حاضر با این فرضیه که روش مشخصی در اجتهاد معنای و مفاهیم موضوعات وجود دارد، در صدد است ابتدا این روش اجتهادی را تبیین نماید و از این رهگذر به تحلیل معنای هنر بپردازد. در نهایت نیز چالش های احتمالی تعریف مستفاد از این روش را نقد و بررسی کند. گفتنی است عدم ارائه تعریف مشخص از مفهومی به نام هنر، علاوه بر آن که باعث ناکامی در مصداق شناسی موضوعات هنری خواهد شد، استنباط حکم فقهی در قلمرو تعینات هنری را نیز با ناکامی مواجه خواهد نمود.



از این رو ضروری است قبل از حکم‌شناسی، تلقی روشنی از مفهوم هنر نزد فقیه شکل گرفته باشد و حدود ثغور آن مشخص باشد؛ تا در تطبیق احکام فقهی بر موضوعات هنری خللی ایجاد نشود.

ب. **سوابق دانشی:** تاریخچه موضوع و سوابق نظری و دانشی موجود در این زمینه چیست و جایگاه موضوع حاضر کجاست؟ بررسی پیشینه پژوهشی، گویای آن است که ادبیات پژوهشی دقیقی در این زمینه وجود ندارد. هرچند تلاش‌های علمی خوبی در مبانی فقه‌اللغه و تحلیل اصطلاحات، تنها در بُعد نظری صورت پذیرفته که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. عبدالحمید واسطی در مقاله‌ای با عنوان: «روش‌شناسی تحلیل لغت در فرایند استنباط فقهی»، درصدد برآمده است تا روش گام‌به‌گام دست‌یابی به معنای مفردات ادله را در سیزده گام تبیین نماید. نویسندگان بررسی حجیت قول لغوی، به آسیب‌های تحلیل لغت از سوی فقها پرداخته است. تمرکز اصلی نویسندگان بر فقه‌اللغه بوده، تلاش نموده تا روش استخراج روح معانی را به صورت روشمند بازنمایند. از این رو تعاریف اصطلاحی الفاظ، مدنظر وی نبوده و مراحل سیزده‌گانه‌ای که ارائه نموده، در شناخت الفاظ منصوص و موضوعات مخترعه به کار می‌آید و در موضوعات مستحدثه مانند هنر ناکارآمد است. ابوالقاسم علیدوست در مقاله: «بایسته‌های مفهوم‌شناسی در متون دینی»، با این باور که مفهوم‌شناسی و معناشناسی در استنباط مثمر است، بایسته‌هایی را برای معناشناسی الفاظ و واژگان برمی‌شمارد. این تلاش علمی، هرچند بایدهایی را در فرایند مفهوم‌شناسی مورد تأکید قرار می‌دهد، اما روش منضبطی از معناشناسی و مفهوم‌شناسی در چارچوب فقه ارائه نمی‌دهد. ضمن آنکه ارتباط مستقیم با مسئله پژوهشی این جستار ندارد. محمدصادق کاملان در مقاله‌ای با عنوان: «دلالیت الفاظ بر معانی از دیدگاه اصولیین و زبان‌شناسان»، درصدد برآمده تا با مطالعه‌ای تطبیقی ثابت کند رابطه لفظ با معنا، از طریق قانون «تداعی معانی» صورت می‌پذیرد و این اقتران میان لفظ و معنا ریشه در وضع الفاظ دارد. در نتایج حاصل از این پژوهش هرگز روش مفهوم‌شناسی و یا تحلیل معنای موضوعات فقهی ارائه نشده است. محمدهادی یعقوب‌نژاد در مقاله: «نقش اصطلاح‌شناسی در توانمندسازی فقه»، با توجه به نقش اصطلاح‌شناسی در نظام سازی واژگان علوم، درصدد پاسخ‌گویی به دغدغه دسته‌بندی اصطلاحات دانش فقه برآمده است. وی در چهار محور، مطالب خود را سامان داده است: اهمیت اصطلاح‌شناسی؛ ابزار شناخت واژگان؛ اصطلاح‌شناسی در گستره فقه و

فرم اصطلاح‌شناسی. این پژوهش نیز روش مشخصی برای مفهوم‌شناسی و تحلیل معانی موضوعات فقهی ارائه نمی‌دهد.

ج. **موارد نوآوری:** ضمن بیان دانش موجود، نوآوری طرحنامه بطور واضح و روشن تعیین شود. تعریف مفهومی هنر بر پایه مولفه های اصلی هنر از منظر فقه و نه از منظر فلسفه هنر. به نحوی که بتواند معروض حکم واقع شود.

د. **فرایند:** فرایندی که در آن فرضیه/ایده/مدل/ نظریه حاصل شده است، بطور دقیق شرح داده شود. با کنکاش در کتب فقهی، می‌توان به روش منضبط اجتهادی در شیوه تعریف مفاهیم، اصطلاحات و موضوعات فقهی دست یافت. در سنت اجتهادی فقها، روش پلکانی در مواجهه با الفاظ، عناوین و مصطلحات فقهی، وجود دارد که دارای چند مرحله اصلی است.

مرحله اول: استظهار لغوی؛ در این مرحله با مراجعه به کتب لغت، الفاظ و واژگان از منظر لغت‌شناسان بررسی می‌شوند.

مرحله دوم: حقیقت شرع؛ تعریف اصطلاحی و کشف دیدگاه شارع در مورد الفاظ و بررسی تحقق حقیقت شرعی در مورد عناوین و مصطلحات فقهی در این مرحله انجام می‌شود. بحث از حقیقه شرعی در ضمن مباحث الفاظ و به جهت شناخت ماهیات مختصره شرعی از حیث معنا و مفهوم شرعی آن مطرح می‌شود.

مرحله سوم: حقیقت عرفیه؛ پس از آنکه مشخص شد در شرع و لسان دلیل، حقیقت شرعی در مورد لفظی تحقق نیافته، نوبت به حقیقت عرفیه می‌رسد. باید دید آیا عرف معنای لغت را تغییر داده یا خیر. بنابراین جهت بررسی، باید به عرف مراجعه نمود. البته رجوع به عرف، به این معنا نیست که فقیه از موضوع‌شناسی و شناخت معنای موضوعات، شانه خالی نماید و این وظیفه را به عرف محول نماید؛ بلکه فقیه باید به لسان عرب و فرهنگ زمان صدور و محاورات عرفیه آشنا باشد.

مرحله چهارم: تحلیل مؤلفه‌های معنایی؛ در این مرحله، فقیه با کاربست قواعد اصولی و فقهی به تحلیل معنای الفاظ و موضوعات فقهی می‌پردازد و تعریفی از عناوین ارائه می‌دهد که گاه متفاوت با دیدگاه اهل لغت، عرف



از کرسی های نظریه پردازی، پژوهش و اندیشه

باسمه تعالی

و حتی نصوص خواهد بود. این مرحله به تنهایی می تواند به عنوان یک منهج اجتهادی جدی، در استنباط موضوعات فقهی قلمداد شود.

اراده دهنده کرسی تلاش خواهد نمود تا با کاربست این رویه استنباطی در تحلیل معنای هنر و کاوش در مفهوم آن، معنایی را به دست دهد که در مقام استنباط احکام هنری، نزد فقیه دارای حجیت باشد و بتواند معروض حکم واقع شود. این بدان جهت است که ابهام در ناحیه حکم هنر یا قبض و بسط آن، ناظر به ابهام در اثبات، تغییر یا تحدید موضوع آن است. بنابراین تعریف و تحدید هنر به مثابه موضوع حکم، بخشی از عملیات استنباط می باشد. این عملیات دارای فرایندی چند مرحله ای است که از واژه کاوی آغاز می شود؛ یعنی فقیه در درجه اول باید به کتب لغت معتبر مراجعه نماید و معنای لفظ را استخراج نماید. او باید بر وضع الفاظ، قواعد و اصول پرکاربرد در تشخیص معانی لفظ، تسلط داشته باشد و با کاربست اصالة الحقیقه، اصالت عدم صحت سلب، تبادر و...، معنای موضوع له لفظ را مشخص نماید و سپس به تعیین معنای اصطلاحی عرفی یا شرعی آن همت گمارد. به این معنا که این مفهوم دارای حقیقت شرعیه هست یا خیر؟ اگر اصل عدم حقیقت شرعیه است، آیا معنای عرفی برای آن شکل گرفته یا خیر؟ در این جا باید معنای موضوعات را با مراجعه به عرف عام و خاص در صورت وجود، به دست بیاورد و رجوع به عرف را در جهت استنباط موضوع، بخشی از عملیات استنباط تلقی نماید. به این معنا که عرف در فرایند اجتهاد، به عنوان یک منبع نزد فقیه اعتبار داشته باشد. در مرحله آخر نیز، با توجه به اطلاعات و عمومات، قرائن، اصول و قواعد، معنایی را به دست دهد که از حجیت برخوردار باشد و بتواند موضوع حکم فقهی قرار گیرد.

ه. منابع: فهرست منابعی که در متن ارجاع داده شده است، آورده شود.

ابو الحسین، احمد بن فارس (۱۴۰۴هـ)، معجم مقاییس اللغة، ۶ جلد، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.

آخوند خراسانی، محمد کاظم (۱۴۰۹هـ)، کفایة الاصول، چاپ اول، قم: موسسه آل البيت عليهم السلام

آشتیانی، محمد حسن (۱۴۰۳)، بحر الفوائد فی شرح الفرائد (طبع قدیم)، چاپ اول، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان، تحقیق: مجتبی عراقی، قم، دفتر انتشارات اسلامی،

۱۴۰۳ هـ.

اصفهانی، محمد حسین کمپانی، حاشیة کتاب المکاسب (ط - الحدیث)، ۵ جلد، أنوار الهدی، قم - ایران، اول، ۱۴۱۸ هـ.



از کرسی های نظریه پردازی، پژوهش و اندیشه

باسمہ تعالیٰ

- اصفہانی، محمد حسین، بحوث فی الأصول - قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۶ هـ.
- اصفہانی، محمد حسین، نہایۃ الدرایۃ فی شرح الکفایۃ (طبع قدیم) - قم، چاپ: اول، ۱۳۷۴ هـ.
- آملی، میرزا محمد تقی، مصباح الہدی فی شرح العروۃ الوثقی، ۱۲ جلد، مؤلف، تہران، اول، ۱۳۸۰ هـ.
- انصاری، مرتضی، القضاء و الشهادات، در یک جلد، قم - ایران، چاپ اول، کنگرہ جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ هـ.
- انصاری، مرتضی، کتاب الحج، در یک جلد، قم، ایران، چاپ اول، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۵ هـ.
- انصاری، مرتضی، کتاب المکاسب (ط - القدیمۃ)، ۳ جلد، قم، ایران، چاپ اول، نشرات دار الذخائر، ۱۴۱۱ هـ.
- انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، سہ جلدی، قم، ایران، چاپ نهم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۸ هـ.
- انصاری، مرتضی، کتاب الوصایا و الموارث، قم، چاپ اول، مؤتمر العالمی بمناسبتہ الذکر الثانیۃ لمیلاد الشیخ الأنصاری قدس سرہ، ۱۴۱۵ هـ.
- انصاری، مرتضی، مجموعہ رسائل فقہیہ و اصولیہ، قم، کتابخانہ مفید، ۱۴۰۴ هـ.
- پازوکی، شہرام، حکمت ہنر و زیبائی در اسلام، ج ۳، تہران، انتشارات فرہنگستان ہنر، ۱۳۹۲ ش.
- جوہری، اسماعیل بن حماد، الصحاح - تاج اللغۃ و صحاح العربیۃ، ۶ جلد، دار العلم للملایین، بیروت - لبنان، اول، ۱۴۱۰ هـ.
- حلی، ابن ادريس، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ۳ جلد، قم - ایران، چاپ دوم، دفتر انتشارات اسلامی وابستہ بہ جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم، ۱۴۱۰ هـ.
- جرّ، خلیل، فرہنگ لاروس عربی بہ فارسی، ترجمہ سید حمید طیبیان، ج ۹، تہران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۷ ش.
- خمینی، سید روح اللہ، القواعد الفقہیۃ و الاجتہاد و التقليد (الرسائل للإمام الخميني)، ۲ جلد، مؤسسہ مطبوعاتی اسماعیلیان، قم - ایران، اول، بی تا.
- خمینی، سید روح اللہ، کتاب الطہارۃ (للإمام الخميني، ط - القدیمۃ)، ۳ جلد، چاپخانہ حکمت، قم - ایران، اول، ۱۳۷۶ ش.
- خمینی، سید مصطفی، الخیارات، ۲ جلد، مؤسسہ تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سرہ، تہران - ایران، اول، ۱۴۱۸ هـ.
- سبزواری، سید عبد الأعلى، مہذب الأحکام، ۳۰ جلد، مؤسسہ المنار - دفتر حضرت آیۃ اللہ، قم - ایران، چہارم، ۱۴۱۳ هـ.
- سہروردی، شہاب الدین، المشارع و المطارحات، تصحیح مقصود محمدی، انتشارات حق یاوران، ۱۳۸۵ ش.
- سہروردی، شہاب الدین، مجموعہ مصنفات، تصحیح ہانری کربن، چاپ دوم، تہران، مؤسسہ مطالعات و تحقیقات فرہنگی، ۱۳۷۵ ش.
- صاحب بن عباد، المحيط فی اللغۃ، ۱۰ جلد، عالم الکتاب، بیروت - لبنان، اول، ۱۴۱۴ هـ.
- صدر المتألہین، محمد، اللمعات المشرقیہ، تحقیق مشکاء الدینی، تہران، نشر آگاہ، ۱۹۸۱ هـ.



از کرسی های نظریه پردازی، پژوهش و اندیشه

باسمه تعالی

- عراقی، ضیاءالدین، بدائع الافکار فی الأصول - نجف اشرف، چاپ: اول، ۱۳۷۰ هـ.
- علم الهدی، علی بن حسین، الذریعة إلى أصول الشریعة - تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۶ ش.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ۸ جلد، نشر هجرت، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۰ هـ.
- فیگین، سوزان، نقاشی، در زیبایی شناسی هنرها، به کوشش جرواد لوینسون، ترجمه سید محمد مهدب ساعتچی و نریمان افشاری، ۱۳۹۲ ش.
- کارول، نوئل، فرمالیسم، در دانشنامه زیبایی شناسی، ویراسته بریس گات، ترجمه گروه مترجمان، انتشارات فرهنگستان هنر، ۱۳۸۵ ش.
- مبلغی، احمد، موضوع شناسی در سرتاریخی از نگاه های ابتدائی تا نظریه های کاربردی، فصلنامه فقه، شماره ۲۳، از صفحه ۱۰ تا ۴۸، بهار ۱۳۹۷ ش.
- مشکینی، علی، اصطلاحات الاصول و معظم ابحاثها، قم، ایران، نشر الهادی، ۱۳۷۴ ش.
- موسوی، سیدرضی، حکمت هنر، قم، دانشکده صدا و سیما، ۱۳۹۰ ش.
- نجفی، حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، محقق: عباس قوچانی، چاپ هفتم، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ هـ.
- نجفی، کاشف الغطاء، جعفر، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء (ط - القدیمة)، در یک جلد، انتشارات مهدوی، اصفهان - ایران، اول، هـ.
- نراقی، مولی احمد، مستند الشیعة فی أحكام الشریعة، ۱۹ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۱۵ هـ.
- هنفلینگ، اسوالد، چیستی هنر، ترجمه علی رامین، تهران، نشر هرمس، ۱۳۷۷ ش.
- یزدی، سید محمد، محقق داماد، کتاب الصلاة، ۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۶ هـ.